



صلحی که بشر امروز به دنبال آن است، در کجاست؟!

تحلیل و استدلال



مقدمه:

مضمون ضمیمه در حقیقت در سال ۲۰۲۱ مطابق به اوضاع اجتماعی افغانستان و جهان در همان آوان تحریر گردیده است، چون بعد از آن روزگار با وقوع جنگ های مخرب و متداوم که منجر به تلفات مالی و جانی هزاران افراد بشر و ویرانی شهر ها گردیده است، دهشت و آدم کشی مانند مرض ساری از دیاری به دیار دیگری راه یافته و سرزمین های زیادی را به خون و آتش کشیده است.

جنگ خانمان بر انداز اوکراین که به انجام آن امیدی نیست، نه تنها باعث ویرانی یک مملکت آزاد، آباد و خود کفا گردیده است، بلکه از نقطه نظر تلفات و دربدری های بشری فاجعه بزرگی است که بر مردم آندیار هر روزه نازل میگردد.

در گوشه دیگر این جهان با معضله بمباردمان و دربدری و کشتار مردم بینوا و بی دفاع غزه با بمباردمان ها و استعمال اسلحه ثقیله، هر روز شاهد و ناظر جنایاتی هستیم که روی بشریت را سیاه نموده است... در تلفات و صدمات انسانی روز افزون آن منطقه خون و آتش، بیشترین غیر نظامیان، اطفال و زنان شامل اند. دامنه این جنگ خانمان سوز به لبنان و تخریب و کشتار آن سرزمین آباد هم کشانیده شده است!

متأسفانه اوضاع جهان و خصوصاً سرزمین جنگ زده و آینده نا معلوم آنان در چند سالی که از نشر مضمون ضمیمه میگذرد، نه تنها بهبودی حاصل نموده است، بلکه از نقطه نظر ازدیاد جنگ و پامال حقوق حقه انسانی نهایت درجه وخیم و قابل تشویش گردیده است. درحالیکه همگان داد از صلح و سلم ملل و کشور های در حال جنگ میزنند، در حقیقت هیچ قدم مثبت و عملی ای در راه این حالت بحرانی و ضروری کتله های بشری برداشته نمی شود. ختم مقدمه جدید.

آغاز قسمت هایی از مضمون سال ۲۰۲۱:

...مشاهده میگردد از ماه فروری سال ۲۰۲۰ که جلسه برقراری صلح، ظاهراً با میانجی گری امریکا بین دولت و مردم افغانستان و جنگجوی طالب دایر گردید، تا هنوز با دلایل آشکارا نه تنها هیچ راه حلی در زمینه به صلح نه انجامیده، بلکه شدت جنگ آن گروه وحشی در سر تا سر افغانستان به شدت خود افزوده است. با طرح صلحی که در اثر آن گویا ظاهراً مخالفین دولت میخواهند در امور مملکت سهیم و همکار گردند، مشاهده میگردد که بیشترین اقدامات این کتله تخریب آثار تمدن تا سویه بند های آب و برق، مکاتب، شفاخانه ها مناطق رهایشی و حتی بازار و مراکز تجار تییست.

امریکا که با موافقت به شرایط طالبان قیود رهایی هزاران محبوس خطرناک و آدم کشان حرفوی و صد ها محکوم به اعدام را بر دولت اشرف غنی تحمیل نمود، درین راه فقط بر آتش افروخته تیل بیشتری پاشید.

با تصمیم گیری و در حقیقت وعده امریکا به طالبان، قوای امریکا و ناتو هم بعد از بیست سال جنگ بیهوده و قتل و معیوبیت صد ها هزار افغان مظلوم، با شکستی که آشکار نمیگردد، افغانستان را ترک می گویند. اینکه در پهلوی بربادی ایکه بر خاک و مردم بیگناه وطن ما عارض میگردد، چه گروه های مخرب، منجمله داعش، القاعده لانه آدم کشان و ددمنشان جاهل را باز هم تشکیل خواهند داد، شکی نیست. ختم مقدمه.

مطالبی در تلاش صلح و سلم در گیتی:

با موجودیت و پیشرفت سرسام آور تمدن بشری و تغییر جوامع با خدمات محیر العقول تکنالوژی ای در حال پیشرفت که در حقیقت همه منابع و وسائل در دست انسان و با اراده او بکار می افتد، تنظیم و ترتیب اجتماعات وابسته و متعلق به ممالک در ساحات و محدوده های جغرافیایی به نوع شایسته، با صلح و امنیت به نفع ملل، نه باید از غیر ممکنات بوده و با حالات جنگ و نا به سامانی های روز افزون و کشنده، هر گوشه ای از جهان به مصائبی که بر انسان بیگناه عارض میگردد، سخت مبتلا گردد. ولی چنین است.

هر سالی که از عمر بشر متمدن امروزی سپری می‌گردد به مقایسه سال قبل، در هر گوشه این دنیای وسیع بیشتر ملل و ممالک با مشکلات جنگ آدم کشی های افراطی و ابتکاری و استعمال سلاح مخرب بر علیه بیگناهان، اطفال و سکنه سرزمین های مختلفه، سر دچار می‌گردند. در پهلوی برخورد خونین ممالک و گروه ها با همدیگر، کشور های صاحب قدرت که هیچ گونه حقوقی برای طرف گیری و یا دفاع از جوانب متخاصم نداشته اند، هم به مداخله و ارسال سلاح و قوای هوایی و زمینی می پردازند و گویا تا ابد برای «موازنه قوا» که دیگر مفهومی ندارد، داخل جنگ، بمباردمان و استعمال سلاح کشنده برای قتل بیگناهان می‌گردند. درین شرائط دردناک، غیر نظامیان، خانواده ها، اطفال و جوانان متعلم و محصل هم پامال جفای چنین جنایات بشری گردیده، در حالیکه عزیزان از دست داده اند، بی خانمان و آواره می‌گردند. نمونه نهایت آشکارای آن که بعد از پنج و شش سال تحمل یک جنگ طاقت فرسا، بربادی یک ملت خود کفا، یک سرزمین آباد، یعنی مملکت سوریه، کاملاً به خاک و خون برابر گشته و هر گوشه آن با جنایات بشری آشکارا از جانب خودی و بیگانه منهدم گردیده است. در چنین تراژیدی های اسفناک انسانی، می بینیم که سازمان ملل متحد اینطرف و یا آنطرف مخاصمه را ملامت «!» میکند و یا مجلسی برای «مذاکرات صلح» از طرف جانبین دایر «!» می‌گردد و آتش بس برقرار میشود که گاهی دوام آن به روزی هم نمی رسد.



چند روز قبل از جانب عربستان سعودی به سلسله بمباردمان های دهشت افکن بر خاک یمن «مهم نیست به چه دلیلی» شاید به بهانه مجازات مسلمانان بیچاره اهل تشیع، در حالیکه در چند کیلومتری چنین حادثه غیر انسانی که از جانب مملکتی، علم بردار «صلح و سلم» که در شرائط بیطرفی نباید هیچگونه قوای مجهزی در اختیار داشته باشد، خانه خدا و مرقد حضرت پیغمبر قرار گرفته اند، صورت گرفت. این صلح و سلمی که به رهنمایی اولیای مقدس ترین سرزمین اسلامی «باید» بین افراد بشر جا باز نماید، مگر با این آدم کشی های استخوان سوز روزی میسر می‌گردد؟ از باور به دور است. در حالیکه در شبه جزیره عربستان، در شمال آن ملیون ها مردم جهان با نیت صلح و برابری با ایفای مراسم حج سر سجده به جانب خانه خدا گذاشته و با پوشش احرام یکسان، تبعیض و خصومت نژادی، مذهبی، قومی و ملیتی را عملاً نمی پذیرند،

چگونه در جنوب جزیره نما، با بمباردمان های بیدریغ عربستان سعودی، یعنی سرزمین میزبان دنیای اسلام، چند روز قبل در حدود ۶۵۰ طفل در یمن کشته می شوند؟! پناه بر خدا!

در افغانستان جنگ زده ویران، با داشتن دستگاه حکومت و موجودیت یک دولت با تمام خصوصیات آن، صلح برای مردم بینوای آن گوهری شده است نایاب که مگر در رویای مردم محنت کشیده میسر گردد. با گروه های دهشت افکن طالب و آدم کشان حرفوی داعش، مگر امیدی برای کسی که صبح خانه را ترک مینماید، شب سالم نزد خانواده برگردد، موجود است؟! امروز جای بسیار تأسف است که جوامع بشری که داد از تمدن میزنند، به بهانه تفاوت انسان ها در دین، مذهب، نژاد، قومیت و امثال آن مخصوصاً در سرزمین های اسلامی، عقب گرا گردیده و دامنه دشمنی های غیر مجاز را وسعت میدهند و همسایه و فرزند را نیز با خود به ان کجراهه افکار سیاه میکشانند و درس نفاق و شفاق میدهند.

تشکیلاتی که امروز برای صلح و سلم و امنیت در اجتماعات فعال هستند، خود میدانند که کوشش های شان با فعالیت های پشت پرده سیاست، منفعت جویی ها و تحریکات گروهی از خود و بیگانه، جز آهن سرد کوبیدن ثمری ندارد. تا زمانیکه حق زیستن با افکار آزاد و حق دادن به دیگر عقاید و باور ها در عمق بافته های اجتماعات جایگزین افکار خرافی، دور از منطق و منم گویی ها نگردد، به همین حال زار دهشت و وحشت ملل مسلمان با دشمنی های روز افزون واهی، پامال امنیت و تخریب صلح و سلم گرفتار می باشند.

زمانیکه منحصیث یک انسان متفکر با عدالت و انصاف باورمندی ساکنین روی زمین را منحیث بندگان خدای قادر و توانا در انتخاب دین، مذهب، طرز تفکر سالم و ملی، روش انتخاب شیوه حیات، مخصوصاً آزادی های بشری فکر و عمل پذیرا نگردیم، کبوتر صلح را مجال پرواز از بالای قلمرو زیست ما نخواهد بود. اینک با مثال هایی از روش آنانیکه برای استقبال صلح برای خود و دیگران باور دارند، میپردازیم:

اول: دیداری از یک اطاق عبادت در گوشه ای از امریکا:

روز گذشته به عیادت دوستی که از طفلی و ایام فراموش ناشدنی لیسۀ ملالی با وی معاشر و همراه بودم و افسوس که روز های آخرین حیات را با درد مهلکی سپری مینماید در آسایش گاهی رفتم. در دهلیز عمارت اطاقی بنام «مرکز عبادت» توجهم را جلب نمود، تزئین و ترتیب ساده آن طوری بود که نهایت درجه آسایش جسمی و روحی را بوجود می آورد. در حالیکه در یکی از طاق ها چند جلد قرآن مجید با چند عدد جای نماز قرار داشت، در طاق دیگر تمثال حضرت مسیح با بی بی مریم و نمونه هایی از صلیب گذاشته شده بودند. در طاق آخری شمعدان چند شاخه یهودیان با شمع های متعدد قرار داشت که بالای آن ستاره «داوود» به نظر می خورد.



اطاق عبادت در گوشه ای از آسایشگاه که حالت صلح و آرامش را در انسان بوجود می آورد در گوشه دیگر اطاق، در بین یک الماری چوبی همچنان نمونه هایی از آثار متذکره ادیان بالا، قابی زیبا از الحمد شریف می درخشید. بدون اغراق میشد با نظر اندازی دقیق به آن مجموعه ای از باورمندی بشر به ذات اقدس الهی، همان صلح گمشده را که انسان خودخواه و گمراه امروزی از دست داده است، سراغ نمود. در سکوت و آسایش اطاق «عبادت» به تدریج عیادت کنندگان مریض های راهی دیار ابدیت، یکی یکی برای اجرای مراسم دعا و اکثراً نماز داخل میگردیدند.

دوم: راه پیمایی زنان مسلمان و یهود برای دستیابی صلح:

یقین تعدادی از خوانندگان محترم چند روز قبل از طریق اخبار، یکی از اجتماعات عجیب و بسیار برازنده را که هزاران زن مسلمان و یهود مقیم اسرائیل و سرزمین های اشغالی به آرزوی صلح و سلم، اشتراک نموده بودند، مشاهده نموده باشند. اینک راپور یکشنبه صدای امریکا در مورد آن حرکت انسانی ارزشمند:

هزاران زن اسرائیلی و فلسطینی از اقشار مختلفه اجتماع یهودیان و مسلمانان روز یکشنبه در دشت های کنار دریای اردن به خاطر صلح آغاز به راهپیمایی کردند.



راهپیمایی زنان مسلمان و یهودی برای صلح

این زنان که اکثر آنان با لباس های سفید رنگ ملبس بودند، با عبور از دشت و صحرا و تپه ها، در نزدیکی دریای اردن، خیمه ای را به نام "خیمه صلح" برپا نمودند. در راهپیمایی حدود ۵۰۰۰ زن اسرائیلی و فلسطینی اشتراک کردند.

خانم ماریلین اسماجیا گفت "ما زنان از همه اقشار اجتماعی به منظور صلح اینجا آمده ایم - از قشر راستگرا و چپگرا، یهودی و عرب، از شهر ها و دهات. ما تصمیم گرفته ایم تا جنگ را پایان دهیم." سازمان دهندگان این راهپیمایی می گویند که پنج هزار زن در این راهپیمایی شرکت کردند.

این راهپیمایی از سوی موسسه ای به نام Women Wage Peace، ترتیب شده است. این موسسه پس از جنگ ۵۰ روزه غزه در سال ۲۰۱۴ میلادی ایجاد شد، جنگی که در آن بیش از ۲۱۰۰ فلسطینی که اکثر شان غیر نظامیان بودند، کشته شد. در این جنگ، ۶۷ سرباز اسرائیلی و شش غیر نظامی اسرائیلی نیز کشته شد.

سازمان دهندگان این راهپیمایی می گویند که این حرکت صلح ماه گذشته در نقاط مختلف اسرائیل آغاز گردید و قرار است نا وقت روز یکشنبه در بیرون منزل بنیامین نتانیا هو، صدراعظم اسرائیل، پایان یابد.

سوم: صلح به هر لسان، حرکت، شیوه و آیینی که برای بشر ابلاغ گردد امید بخش است: آنچه را بودا در تعلیمات به نوع بشر « بدون در نظر داشت ادیان و مذاهب» پیشکش نمود، با تکیه بر ترحم، بشر دوستی، دوری از تبعیض و دو رنگی و حق دهی به نوع انسان،

منحیث یکی از فیلسوفان پیرو صلح و سلم برای اداره یک جهانی که در آن همگان از خیر همزیستی مسالمت آمیز بهره مند گردند، واقعاً بر روی مفکوره والای یک صلح دائمی قرار داشته است. حالت تسلیمی، تواضع و ارائه صلح که در آثار عهد عتیق از بودا به جا مانده است، حتی در وجنات و ترکیب صورت وی همیشه هویدا است. آیا آن فیلسوف بشر دوست گمان میبرد که بر عکس تعلیمات و رهنمایی های وی برای برقراری صلح و امنیت در جوامع بشری، انسان متمدن امروزی فقط در جستجوی تبعیض، جنگ و کشتار روان گشته است؟ افسوس!

